

بررسی تطبیقی عوامل انسجام در ترجمه داستان ادبی «برف‌های کلیمانجارو» براساس رویکرد انسجام متن

نرگس ملائی^۱ (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران)
اخلاص ویسی^۲ (دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
بهمن گرجیان^۳ (دانشیار گروه زبان‌شناسی کاربردی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان،
ایران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۶/۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۱، تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۱

چکیده: تطبیق مقابله‌ای متون ادبی با بررسی عوامل انسجامی در متن مقصد پیوندی ناگسستی دارد. یکی از اهداف زبان‌شناسی تطبیقی مقایسه متون مبدأ و مقصد و کشف نقاط ضعف و قوت ترجمه است. هدف این پژوهش، بررسی عوامل انسجامی متن در داستان برف‌های کلیمانجارو در دو متن مبدأ (انگلیسی) و مقصد (فارسی) است. بنابراین در بررسی مقابله‌ای این اثر، به برگردان واژگانی و ساختاری متن و سپس انتقال آن از طریق فرایند ترجمه توجه شده ولی سایر جنبه‌های معنایی متن نیز بررسی شده است. از این‌رو، پژوهش حاضر در قالب نظریه انسجام متن هلیدی و حسن (۱۹۷۶) عناصر انسجام در کتاب داستان برف‌های کلیمانجارو (همینگوی، ۲۰۰۴) در دو متن با ترجمه (حسینی، ۱۳۹۶؛ دریابندری، ۱۳۷۸) را مورد بررسی قرار داده و نحوه انتقال عناصر طی فرایند ترجمه متن انگلیسی و ترجمه آن با روش مقابله‌ای و تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که نحوه معادل‌سازی واژگان و عناصر انسجام، در ترجمه و بازآفرینی متن اصلی نقش بسزایی دارند و بیشترین بسامد وقوع در متن اصلی به زیرمؤلفه ارجاع اشاری و ارجاع شخصی تعلق دارد و در ترجمه عناصر ارجاع شخصی و پس از آن، پیوند افزایشی از بسامد وقوع بالایی در متن برخوردار بوده‌اند. نویسنده و هر دو مترجم به یک اندازه توانسته‌اند با بهره‌مندی از این عناصر انسجام متنی میان الفاظ و معانی پیوند ایجاد کنند.

کلیدواژه‌ها: انسجام، زبان‌شناسی مقابله‌ای متن، ترجمه، داستان ادبی، ساختار، واژگان

1. nargesmollaei95@gmail.com

2. elkhas@yahoo.com

3. bahgorji2018@gmail.com

۱ مقدمه

از آنجاکه زندگی بشر ماهیت اجتماعی دارد، دارای ماهیت ارتباطی نیز هست. بنا به عقیده جامعه‌شناسان، زبان در وهله اول رویدادی اجتماعی است که با جامعه ارتباطی ناگسستی دارد. درون هر جامعه زبانی با توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی و نیز ارتباطات بین فردی، متون نیز دارای مفاهیم خاص برای انتقال معنا در جامعه هستند. بنابراین، متن یکی از عوامل پیوندی در روابط بین فردی در بافت اجتماعی خاص است (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶).

در همه ادوار تاریخ بشر، انسان همواره معذب‌زبان بوده است. انسان و زبان پیوندی ناگسستی با یکدیگر دارند تا آنجا که نمی‌توان یکی را بدون دیگری تصور کرد. از این رو، مطالعه زبان از جنبه‌های گفتاری و نوشتاری، ذهن پژوهشگران حوزه‌های مختلف علمی مانند روان‌شناسی، زبان‌شناسی و متن‌کاوی را به خود مشغول کرده و ماحصل این مطالعات در قالب رویکردی زبان‌شناختی متبلور شده است. زبان‌شناسی در حقیقت مطالعه نظام‌مند زبان است. علم زبان‌شناسی به شاخه‌ها و حوزه‌های متعددی تقسیم می‌شود که «زبان‌شناسی متن یکی از شاخه‌های بین‌رشته‌ای آن به‌شمار می‌رود و به بررسی واحدهای فراتر از جمله می‌پردازد؛ این شاخه نوپا از علم زبان‌شناسی در پی بررسی آن دسته از قواعد زبانی است که عناصر زبانی فراتر از مرز جمله را شامل می‌شود و واحدهای زبانی را در سطح متن تحلیل می‌کند» (البرزی، ۱۳۹۲: ۱۳)؛ چراکه وی معتقد است که واژه‌ها و جملات هر متن تنها بخشی از متن را تشکیل می‌دهند.

در دنیای چندزبانی، ترجمه یکی از ابزار ارتباطی مهم به‌شمار می‌آید. یکی از مسائلی که زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی را به هم نزدیک کرده، بحث معنا بوده است (محمدیاری، ۱۳۹۴). ترجمه همواره با معادل و معادل همواره با معنا سروکار دارد (فرحزاد، ۱۳۸۴). زبان‌شناسی خود به معنا پرداخت و آن را در سطوح مختلفی از جمله در سطح کلمه، جمله، متن و گفتمان بررسی نمود (فالر، راجر و همکاران، ۱۳۹۴). در حوزه ترجمه مبحث ترجمه متون ادبی موضوعی است که کمتر به‌طور تخصصی به آن پرداخته شده است. بدیهی است که ترجمه متن باید از لحاظ نحو و معناشناسی متن از متنتیت برخوردار و دارای ویژگی‌های متن‌بودگی^۱ متن باشد (قنادی، ۱۳۹۵).

در همین راستا، پژوهش حاضر سعی دارد برای آشنایی با رهیافت‌های علم زبان‌شناسی در حوزه ترجمه متون ادبی به بررسی و نقد چگونگی تحلیل فرایند ترجمه متن ادبی بپردازد. سؤال تحقیق بر مبنای این است که براساس نظریه انسجام هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، مؤلفه‌های انسجام متنی در

1. textualization

دو ترجمه فارسی داستان ادبی برف‌های کلیمانجارو اثر ارنست همینگوی به زبان انگلیسی بررسی شود که چه عوامل انسجامی در ترجمه‌های فارسی دریابندری و حسینی بیشتر رعایت شده است و علت آن چه بوده است.

۲ پیشینه پژوهش

از دیرباز، زبان‌شناسان حوزه ادبیات نیز به وجود انسجام و پیوستگی در متن‌های ادبی توجه خاصی داشته‌اند که با وجود انسجام و پیوستگی، می‌توان به روابط موجود در متن پی برد. پژوهش‌های زیادی در حوزه ادبی و سایر متون نوشتاری، در چارچوب نظریه انسجام هلیدی و حسن (۱۹۷۶) در زبان‌های مختلف انگلیسی، فارسی، عربی و... انجام شده است. اکنون به‌طور مختصر به پاره‌ای از این پژوهش‌ها در حوزه مطالعات خارجی و داخلی می‌پردازیم.

دی‌بوگراند^۱ و درسلر^۲ (۱۹۸۱) در مطالعات خود در حوزه متن کتاب مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی متن، هفت معیار برای متن‌بودگی را پایه‌گذاری کردند. آنها در کتاب خود درباره مشخصه متن‌بودگی متن، هفت معیار مطرح کرده‌اند که عبارت‌اند از: «پیوستگی انسجام، عامل نیت، عامل قبولی، پیام‌رسانی، عامل موقعیت و بینامتنیت». برزلانویچ^۳ (۲۰۰۸) و بوگراند و درسلر (۱۹۸۱) در مورد انسجام واژگانی براساس رویکرد انسجام هلیدی و حسن و سازماندهی گفتمان به چگونگی ارتباط و مشارکت انسجام واژگانی با سایر ویژگی‌های نظام گفتمان، می‌پردازند. الپچاچی^۴ (۲۰۱۶) براساس رویکرد انسجام متن هلیدی و حسن و همچنین نظریه پرداز ترن بری^۵ (۲۰۰۵) در زمینه کاربرد عناصر انسجام در نمایش‌نامه‌نویسی و متون نمایش‌نامه پرداخته است. طی بررسی وی، مشخص شد که بیشترین عنصر انسجام که توسط نمایش‌نامه‌نویسان بزرگسال و کودکان به‌کار رفته، عنصر ارجاع است. عنصر حذف در درام بزرگسالان کاربرد بیشتری داشته و در درام کودکان، عنصر انسجام واژگانی از بسامد بالایی برخوردار بوده است. کارادنیز^۶ (۲۰۱۷) در زمینه انسجام و پیوستگی بوده که به بررسی عوامل انسجام و پیوستگی در متون نوشتاری دانشجویان دانشکده بر مبنای نظریه انسجام هلیدی و حسن می‌پردازد. در نتایج حاصل از پژوهش وی مشاهده می‌شود که، رابطه

1. R. De Beaugrande
3. I. Berzlánovich
5. Thorn Bury

2. W. Dressler
4. A. O. Al-Pachachi
6. A. Karadeniz

معناداری میان بلندی متن و همبستگی در متون نوشتاری آنها وجود دارد. علاوه بر آن، ارتباط معنادار در سطح پایین میان مهارت‌های دانشجویان در ایجاد متن منسجم دیده می‌شود. در ادامه به مطالعاتی اشاره می‌شود که در حوزه پژوهش‌های داخلی در حوزه ادبیات و زبان‌شناسی متن محقق شده‌اند.

نظری، پروینی، روشنفکر و آقاگل‌زاده (۱۳۹۰) با الگوی انسجام هلیدی و حسن (۱۹۷۶) به بررسی زبان‌شناسی متن و الگوی انسجام در آرای نحوی، بلاغی و نقدی عربی قدیم پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که، انسجام واژگانی در متون عربی در مباحثی مانند مراعات‌النظیر، مناسبات و غیره در علم بدیع به چشم می‌خورد و بیشتر جنبه آرایه‌ای دارد. در بین عوامل انسجام، عاملی همچون جایگزینی تقریباً در عربی موضوعیت نداشته است ولی عامل حذف و ادات پیوندی با حجم و اهمیت بسیار مورد توجه علمای بلاغت بوده و بر نقش انسجام‌بخش آن تأکید داشته‌اند. فروزنده و بنی‌طالبی (۱۳۹۳) بر مبنای عناصر انسجام متن با رویکرد نظری هلیدی و حسن (۱۹۷۶) به درآمدی از تحلیل مثنوی «ویس و رامین» اثر «فخرالدین اسعد گرگانی» می‌پردازند. هدف آنها از انجام این پژوهش، بررسی هر یک از عناصر انسجام از جمله: انسجام دستوری، واژگانی و پیوندی است. نگارندگان اذعان می‌دارند که: جمله‌های متن «ویس و رامین» از جنبه‌های گوناگون با هم مرتبط هستند و بسیاری از عناصر انسجام متن به‌طور هم‌زمان در متن به‌کار رفته‌اند. کریمی (۱۳۹۳) به کارایی عوامل انسجام در تحلیل ادبی (تحلیل) دو خطبه «غرا و اشباح» از نهج البلاغه اختصاص می‌دهد. وی به شباهت زیاد میان ابزارهای زبان‌شناسی متن و ابزارهای تحلیل در بلاغت اشاره می‌کند. نتیجه بررسی حاکی از آن است که نقطه تمرکز زبان‌شناسی متن بر نقش ابزارهای پیوستگی در پیوند میان اجزا متن است و ارجاع را به‌عنوان اصلی اساسی و ثابت در تمام ابزارهای پیوستگی می‌داند. ویسی و دریس (۱۳۹۵) در چارچوب کنش گفتار نظریه «سرل» و انسجام متن هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، به بررسی اثبات جوانب زبان‌شناختی متن در سوره مبارکه «نبأ» پرداخته‌اند. نتایج حاصل حاکی از آن است که، در تحلیل متن در قالب رویکرد هلیدی و حسن، نسبتاً در یک جهت هستند و مطالعات زبان‌شناسی در حوزه نام‌برده، می‌تواند علاوه بر تسهیل درک فهم قرآنی، شباهت موجود در زمینه اعجاز کلامی را به‌چالش بکشد. در این پژوهش، عناصر انسجام تکرار و حذف دارای بالاترین بسامد هستند که برای تأکید بیشتر در تفسیرالمیزان به‌کار برده شده‌اند. ویسی و اورکی (۱۳۹۵) به تحلیل مقایسه‌ای عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه ناس و ترجمه فارسی آن بر پایه نظریه هلیدی و حسن (۱۹۷۶) پرداخته‌اند. طی بررسی مشخص شد که وجود عناصر انسجام در ترجمه سوره، بسامد کاربست عناصر انسجامی در این سوره و ترجمه آن دارای شباهت‌ها و

تفاوت‌هایی بوده است. عناصر و عوامل انسجام در نمونه‌ی منتخب شامل ارجاع، حذف، جایگزینی، عوامل پیوندی، تکرار و ترادف و شمول معنایی و جزء به کل است که هرکدام به میزانی در متن سوره بیش از ترجمه آن است. در حوزه‌ی انسجام متنی اثر ویسی و مولوی وردنجانی (۱۳۹۵) به بررسی نقش گفتمانی ادات پیوندی «و» و «ف» در متن قرآن کریم پرداخته‌اند. دستاوردهای حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که حرف ربط «و» در متن سوره‌ی منتخب به نسبت یکسان در جایگاه آغازی و میانی کاربرد داشته و بیشتر در روابط پیوندی تمثیلی و مقابله‌ای شرکت می‌کنند. در حالی که حرف «ف» در جایگاه میانی و روابط توالی زمانی، شرطی و علی به کار رفته است. محققین دیگری نظیر تاکی (۱۳۷۸) و پورحسینی (۱۳۸۵) تحقیقات مقابله‌ای و انسجامی را نیز در متون مختلف انجام داده‌اند.

۳ چارچوب نظری

زبان‌شناسی نظری^۱ شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به ماهیت زبان و تدوین الگوهای زبانی می‌پردازد. در زبان‌شناسی نظری، زبان‌شناسان بیشتر به ساخت مدل‌های دانش زبانی یا نظریه‌هایی برای توصیف زبان و تبیین ساختارهای آن می‌پردازند. دبیرمقدم (۱۳۹۳: ۹) برای زبان‌شناسی نظری، سه نگرش تأثیرگذار از جمله: زبان‌شناسی صورت‌گرا^۲، زبان‌شناسی نقش‌گرا و زبان‌شناسی شناختی^۳ بیان می‌دارد؛ که هر یک از این نگرش‌ها خود مشتمل بر آرا و نظرات گوناگون هستند و طرفداران خاص خود را داشتند. در زبان‌شناسی صورت‌گرا دارای نظامی ساخت‌بنیان و ریاضی‌گونه است. رویکرد شناختی نیز خود برای کشف ساختار شناختی انسان است. رویکرد نقش‌گرا که در رأس آن زبان‌شناسی چون گیون^۴ (۱۹۷۹) قرار دارد، نگرش آنها به زبان به‌طور کلی زبان را نظامی برای ایجاد ارتباط و تأکید بر نقش‌های اجتماعی و بافتی زبان می‌دانستند.

مطالعات زبان‌شناسی، تاریخی بس طولانی دارد. اگر بخواهیم تصویری از زبان‌شناسی نقش‌گرا ترسیم کنیم، به‌واقع یکی از رویکردهای برجسته و مهم در زبان‌شناسی نظری به‌شمار می‌آید. با توجه به گسترده‌بودن زبان‌شناسی نقش‌گرا، دو مبدأ اروپایی می‌توان برای آن در نظر گرفت. اعضای مکتب

1. theoretical linguistics
3. cognitive linguistics

2. formal linguistics
4. T. Givón

پراگ شامل ماتسیوس^۱، یاکوبسن^۲ و تروبتسکوی^۳ است و دومین مکتب به مکتب لندن^۴ شهرت یافت که توسط مالینوسکی^۵ در سال ۱۹۲۳ بنیان نهاده شد (مالمیر^۶، ۲۰۰۲: ۳۲). زبان‌شناسی نقش‌گرا همزمان با ایجاد مکتب پراگ (۱۹۲۶) شکل گرفت. زبان‌شناسی متن بررسی و مطالعه عناصر زبانی فراتر از جمله را دربرمی‌گیرد؛ در زبان‌شناسی متن، واحدهای زبانی در سطح واژه یا جمله توصیف نمی‌شوند، بلکه در سطح متن تحلیل می‌شوند (البرزی، ۱۳۹۲: ۱۳). دوران شکوفایی زبان‌شناسی متن و تحلیل گفتمان با مطالعات هلیدی آغاز شد. «زبان‌شناسی متن» شامل تحلیل متن از نظر ساختارهای دستوری و معنایی در بافت گفتمان و رسیدن به درک متنی و فرامنتی است (دوبوگراند و درسلر، ۱۹۸۱).

۱-۳ رویکرد نقش‌گرای هلیدی

هلیدی، یکی از زبان‌شناسان به نام در رویکرد نقش‌گرا است که در نظریه دستور نقش‌گرای نظام‌مند خود، زبان را به مثابه ابزاری برای ایجاد ارتباط می‌داند، تا جایی که نقش پایه‌سازمانی برای توصیف زبان را فراهم می‌کند. وی زبان را یک نظام معنا-نشانه‌شناختی تعریف می‌کند؛ همچنین تأکید وی بر نقش عناصر زبانی است نه بر صورت آن. همچنین وی به نظام صوری زبان اعتقاد دارد و آن را تابع و وابسته به نقش ارتباطی و کاربرد زبان بنا می‌نهد و به تبیین‌های نقشی برای نظام صوری زبان می‌پردازد (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶؛ به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۳، ۴۳). از دیدگاه هلیدی، بخش متن‌ساز نظام زبانی از عناصر و تدابیر متن‌ساز زبان تشکیل شده است که دو بخش دارد: ۱- بخش ساختار موضوعی^۷ که شامل مبتدا-خبر و ساخت اطلاعاتی^۸ است. ۲- بخش غیرساختاری که شامل انسجام است (هلیدی، ۱۹۷۶: ۲۷).

انسجام به روابط معنایی موجود میان عناصر درون متن گفته می‌شود. انسجام در متن زمانی برقرار می‌شود که تفسیر عناصری از متن به تفسیر عناصر دیگر آن وابسته است. در واقع، یکی از عناصر، پیش‌انگاری عنصر دیگر است. به این معنا که تنها یکی از عناصر، نمی‌تواند به نحوی مؤثر متن را رمزگشایی کند مگر اینکه، عنصر دیگری در متن حضور داشته باشد، این دو عنصر عبارت‌اند

1. V. Mathesius

3. N. Trubetzkoy

5. K. Malinowski

7. thematic structure

2. R. Jakobson

4. London School

6. K. Malmkjær

8. informational structure

از پیش‌انگاری و پیش‌انگاشته. می‌توان گفت که، دو عنصر پیش‌انگاشته و پیش‌انگاری باهم ترکیب می‌شوند و به عامل بالقوه متن تبدیل می‌شوند. برای مثال در جمله:

(۱) مریم میوه‌ها را شست، آنها را در یخچال گذاشت.

کلمه «آنها» پیش‌انگاشته‌ای برای تفسیر انجام عملی در جمله قبل است. یعنی برای تفسیر «آنها» باید به شستن میوه‌ها در جمله قبل مراجعه کنیم. درحقیقت، با وجود پیش‌انگاری، انسجام میان دو جمله به وجود آمده است و سپس متن ایجاد می‌شود.

هلیدی و حسن انسجام را بخشی از زبان می‌دانند و معتقدند که انسجام نیز مانند سایر روابط معنایی در زبان به وسیله لایه‌های سازماندهی زبان مطرح می‌شود؛ بنابراین، زبان را می‌توان به‌عنوان یک نظام لایه‌ای بیان نمود: الف) لایه معناسناختی (معنایی)؛ ب) لایه دستور واژگانی (صورت)؛ ج) لایه آوایی/ نوشتاری (تجلی عینی). همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، انسجام مجموعه‌ای از روابط است که متعلق به همه طبقات زبان است؛ و جوهره معنایی درون متن را به هم متصل و به چگونگی ایجاد معنا در متن تمرکز می‌کند (هلیدی، ۱۹۷۶: ۵-۱). ون‌دایک (۱۹۸۹) مفهوم انسجام را از متن به جمله می‌داند و منظور وی از انسجام در واقع دارابودن مشخصه متن‌بودگی برای متن است.

ابزارهای انسجام

انسجام رابطه معنایی درون یک متن است و این رابطه فراتر از روابط نحوی و دستوری است. ابزارهای انسجام به سه دسته: انسجام دستوری، انسجام پیوندی و انسجام واژگانی تقسیم می‌شوند (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ۶-۵).

۱- انسجام دستوری

انسجام دستوری همان‌طور که از نام آن مشخص است، برگرفته از قواعد دستوری است. بنا به عقیده هلیدی، عوامل انسجامی شامل ساختارهایی است که وابسته به دستور زبان باشد. این نوع انسجام شامل موارد زیر است:

الف- ارجاع: عناصر زبانی خاصی در هر زبان وجود دارد که دارای ویژگی ارجاع هستند، به این معنا که به‌عنوان یک واحد زبانی هستند که به‌تنهایی از لحاظ معنایی قابل تفسیر نیستند، بلکه تعبیر

و تفسیر آنها به عناصر در متن وابسته است. از دیدگاه هلیدی و حسن، ارجاع به سه دسته تقسیم می‌شود.

ب- ارجاع شخصی^۱: ارجاعی که به وسیله عملکرد شخص در موقعیت گفتار به وجود می‌آید. این نوع ارجاع شامل: ضمائر شخصی، ضمائر ملکی و صفات ملکی است. غالباً در صورت نوشتاری ضمائر اول، دوم و سوم شخص دارای مرجع برون‌متنی هستند و در گفتمان شفاهی مرجع برون‌متنی (موقعیتی) دارند (رحمانی، ۱۳۸۴). مثال‌های از ضمائر شخصی در زیر آورده‌ایم:

مریم به مسافرت رفته است. او علاقه زیادی به سفر دارد.

ج- ارجاع اشاری^۲: این نوع ارجاع اساساً صورتی از الفاظ اشاره‌ای است. گوینده ارجاع خود را توسط موقعیت آن براساس میزان «نزدیک‌بودن» یا «دوربودن» مشخص می‌کند.

د- ارجاع مقایسه‌ای^۳: ارجاع مقایسه‌ای یک ارجاع غیرمستقیم به وسیله همسانی یا تشابه است. به لحاظ دستوری همه عناصر ارجاع به جز قیود اشاری و بعضی قیود مقایسه‌ای، نقش گروه اسمی را به‌عهده دارند. این نوع ارجاع شامل دو گروه مقایسه کلی و مقایسه ویژه است.

گروه ۱- جایگزینی

جایگزینی یعنی جابه‌جایی، که در فارسی برخلاف زبان‌های چون انگلیسی از بسامد کاربرد بالایی برخوردار نیست تا جایی که برخی فارسی را فاقد این نوع انسجام می‌دانند (زکی‌پور، ۱۳۸۳؛ به نقل از پورحسینی، ۱۳۸۵). در واقع با قراردادن عنصری در جمله به جای عنصری دیگر سبب کوتاهی و زیبایی متن می‌شود. گاهی یک عبارت یا یک اصطلاح یا حتی یک کلمه جایگزین یک جمله می‌شود و از این طریق سبب پیوستگی و انسجام متن می‌شود. عنصر انسجام جایگزینی شامل: جایگزین اسمی، جایگزین بندی و جایگزین فعلی می‌شود. (تاکلی، ۱۳۷۸).

۳) مریم خرید از فروشگاه را دوست دارد. زهرا هم همین‌طور.

گروه ۲- حذف

همان‌طور که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، حذف نیز مانند جایگزینی است با این تفاوت که در حذف،

1. personal reference
3. comparative

2. demonstrative

به‌جای آن چیزی نمی‌نشیند. هلیدی و حسن آن را «جایگزینی صفر» می‌نامند. اگرچه جایگزینی و حذف هر دو شامل روابط پایه‌ای میان بخش‌های متن (ارتباط میان کلمات، گروه و بند) است، ولی هردو دارای مکانیزم ساختاری مختلفی هستند. هلیدی و حسن معنی حذف را «چیزی که ناگفته مانده است» تعبیر می‌کنند. عنصر انسجام حذف نیز شامل حذف اسمی، حذف فعلی و حذف بندی است.

۲. پیوندها

یکی دیگر از مباحث انسجام که هلیدی و حسن به آن پرداخته‌اند، پیوند یا ربط است. عنصر پیوند با سایر عوامل انسجام متفاوت است. این عناصر به‌تنهایی دارای انسجام نیستند، بلکه به‌طور غیرمستقیم به‌موجب معنای خاص آنها در متن سبب ایجاد انسجام می‌شوند. عناصر پیوندی شامل:

افزایشی‌ها^۱: همان‌طور که از اسم آن معلوم است، وجود واژه‌ها و عبارات‌های جمله سبب افزایش مفهوم در جمله می‌شود؛ مانند: «و، نیز، همچنین و...» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۲۴۹).

تباینی‌ها^۲: رابطه تباین به معنی «برخلاف تصور» است. این ارتباط معنایی، زمانی ایجاد می‌شود که با توجه به محتوای جمله، خلاف تصور از جمله قبل برای شنونده یا گوینده از آن ثابت شود مانند: «با این همه، با این وجود».

علّی‌ها^۳: این نوع نقش‌نماها به بیان علت و معلول دلالت می‌کند. با استفاده از این واژه‌ها می‌توان علت رویدادها را توضیح داد «بنابراین، پس».

زمانی‌ها^۴: این نقش‌نماها توالی زمان رادر متن نشان می‌دهند. به مثال زیر توجه کنید:

1) First, I go to park, then you come.

۳. انسجام واژگانی

عنصر انسجام واژگانی شامل عناصر تکرار و باهم‌آیی است.

تکرار: در تکرار عنصر واژگانی وجود دارد که به عنصر قبلی در متن اشاره می‌کند و با آن ارتباط

1. additive
3. causal

2. adversative
4. temporal

دارد. یک عنصر تکرارشونده در متن ممکن است مترادف، هم معنا یا دارای شمول معنایی^۱ باشند که معمولاً با واژه The نشان داده می‌شود.

باهم‌آیی^۲: هلیدی و حسن باهم‌آیی را یکی از مشکل‌سازترین بخش انسجام واژگانی می‌دانند و آن را چنین تعریف می‌کنند: «باهم‌آیی از ترکیب عناصر واژگانی است و غالباً همنشینی دارند». به مثال از هلیدی و حسن اشاره می‌شود:

2) Why does this little boy wriggle all the time? Girls don't wriggle.

در این جمله boy و girls نه هم معنا هستند و نه هم مرجع محسوب می‌شوند. هردو با اینکه از دو طبقه کاملاً متفاوت‌اند ولی متن، یک متن منسجم است؛ و میان دو واژه girls و boy یک ارتباط نظام‌مند وجود دارد. این ارتباط به صورت یک ارتباط تقابلی است که در طبقه‌بندی لاینز^۳ به تقابل تکمیلی^۴ معروف است. اگر میان جفت‌های واژگانی رابطه معنایی وجود داشته باشد، آنگاه رابطه انسجام واژگانی برقرار است. چنین جفت‌هایی می‌توانند مترادف، هم معنا یا دارای شمول معنایی باشند مانند: پسر و بچه، نارون و درخت، نمونه دیگری از نوع تقابل تکمیلی: پسر و دختر، پاشو و بشین. همچنین می‌توانند متضاد یکدیگر باشند: دوست داشتن و متنفر بودن، خسیس و خشک (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۲۸۵). هلیدی و حسن معتقدند که میان چنین جفت‌های واژگانی هیچ نوع ارتباط معنایی وجود ندارد بلکه تمایل دارند در محیط واژگانی مشابه قرار بگیرند. به طور کلی، هر دو عنصر واژگانی الگوی باهم‌آیی مشابهی را نشان می‌دهند یعنی در یک بافت مشابه نمایان می‌شوند که چنانچه جملات پی‌درپی بیابند، رابطه منسجمی ایجاد خواهند کرد.

۴ روش پژوهش

در این جستار تلاش بر آن است که هریک از مؤلفه‌های نظریه انسجام را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم. کتاب داستان برف‌های کلیمانجارو اثر همینگوی، هجده داستان کوتاه دارد، و از آنجا که محتوای کتاب بیشتر به شکل مکالمه‌ای است، لذا به صورت تقریبی پاراگراف‌های داستان به ترتیب شماره‌گذاری شده‌اند. حجم داده‌های آماری مشتمل بر ۵۰۰ پاراگراف است. با استفاده از جدول اعداد تصادفی از کتاب مقدمه‌ای به روش تحقیق در علوم انسانی (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۹۳)

1. superordinate
3. J. Lyons

2. collocation
4. complementarity

تعداد ۳۰ پاراگراف از کتاب متن انگلیسی و ۳۰ پاراگراف از متن ترجمه آن انتخاب شد و در کل ۶۰ پاراگراف مورد تحلیل قرار گرفت. سپس، هر جمله از متن کتاب اصلی (انگلیسی) با متن ترجمه‌شده آن (فارسی) مقایسه شد. همچنین، نحوه انتقال معنا و مفهوم متن و واژگان با بهره‌گیری از عوامل انسجام و زیرمجموعه‌های موجود در متن، از جمله حذف، جایگزینی، ارجاع، تکرار و... مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل عوامل انسجامی متن انگلیسی و برگردان آنها در دو ترجمه فارسی، از تقسیمات جمله، افعال، عناصر انسجام، نوع انسجام و پیش‌انگاری در جداول استفاده شده است. آنگاه نتایج را با استفاده از اطلاعات آماری به دست آمده به صورت توصیفی بیان گردیده است.

۵ تحلیل و بحث یافته‌ها

در این بخش از پژوهش، نمونه‌هایی از کل داده‌ها را در قالب سه نوع عنصر انسجام از رویکرد انسجام متن هلیدی و حسن (۱۹۷۶) که به ترتیب شامل انسجام دستوری، انسجام پیوندی و انسجام واژگانی است، از کتاب داستان برف‌های کلیمانجارو و متن ترجمه آن از دریابندری و حسینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

کتاب برف‌های کلیمانجارو ترجمه «دریابندری» پاراگراف ۱:

She had gone to kill a piece of meat and, knowing how he liked to watch the game, she had gone well away so she would disturb this little pocket of the plain that he could see.¹ She was always thoughtful, he thought.² On anything she knew about, or had read, or that she had heard.³

زن رفته بود شکاری بزند، و چون می‌دانست که مرد دوست دارد جانوران را تماشا کند دور رفته بود تا این تکه دشت را که در دیدرس مرد بود به هم نزند.^۱ مرد با خودش گفت که این زن همیشه ملاحظه می‌کند.^۲ در هر کاری که می‌شناخت، یا درباره‌اش خوانده بود، یا یک وقتی شنیده بود.^۳

جدول شماره ۱- متن انگلیسی ۱

شماره جمله متن انگلیسی	تعداد افعال	عنصر انسجام	نوع انسجام	پیش‌انگاری
۱	۸	She	ارجاع شخصی	-
		and	پیوند افزایشی	-
		He	ارجاع شخصی	-
		The*2	ارجاع اشاری (خنثی)	-
		*She2	ارجاع شخصی	She
		This	ارجاع اشاری	Little pocket
		so	پیوند علی	The plain
۲	۲	Or*2	پیوند افزایشی	-
		He*2	ارجاع شخصی	Harry
۳	۳	She	ارجاع شخصی	-
		She	تکرار	She
		Or	پیوند افزایشی	Read
		Or	پیوند افزایشی	Never heard
	۱۳			تعداد کل افعال

جدول شماره ۲- متن ترجمه ۱

شماره جمله متن فارسی	تعداد افعال	عنصر انسجام	نوع انسجام	پیش‌انگاری
۱	۸	و	پیوند افزایشی	عبارت بعد
		چون	پیوند علی	زن
		که	پیوند افزایشی	مرد
		این	ارجاع اشاری	تکه دشت
		که	پیوند افزایشی	دیدرس
		-د	ارجاع شخصی	مرد
		-ت	ارجاع شخصی	زن
۲	۲	-ش	ارجاع شخصی	مرد
		-ت	ارجاع شخصی	مرد
		-د	ارجاع شخصی	زن

این زن	پیوند افزایشی	که		
زن	ارجاع اشاری	این		
درباره‌هاش	پیوند افزایشی	یا	۳	۳
زن	ارجاع شخصی	-اش		
زن	ارجاع شخصی	-د		
شنیده بود	پیوند افزایشی	یا		
زن	ارجاع شخصی	-ت		
			۱۳	تعداد کل افعال

با توجه به جدول ۱، عناصر موجود، در متن فوق شامل عنصر انسجام ارجاع شخصی و اشاری در متن اصلی و فارسی است. در جمله اول متن اصلی عنصر ارجاع «she» وجود دارد که به شخصیت زن در داستان اشاره می‌کند، اما معادل آن در متن ترجمه شده به صورت اسم «زن» و واژه‌سازی شده و اینکه مترجم آن را به عنوان عنصر ارجاع «او» در نظر نگرفته است؛ به این دلیل که جنسیت زن و مرد (معادل ضمائر «he & she») در متن فارسی مشخص شود، مترجم می‌بایست که با واژه «زن» یا «مرد» این دو ضمیر را از هم متمایز گرداند و این ایراد بر ترجمه وی نیست. همچنین در سایر بخش‌های متن اصلی که عنصر ارجاع «he» یا «she» وجود دارد مترجم آنها را با عنوان «مرد و زن» بیان کرده است. اما لازم به ذکر است که این جمله به لحاظ ترجمه مشکل دارد؛ بدین شکل که جمله «زن رفته بود شکاری بزند، و چون می‌دانست که مرد دوست دارد جانوران را تماشا کند دور رفته بود تا این تکه دشت را که در دیدرس مرد بود به هم نزنند.» تکرار افعال تکراری و پی‌درپی چندان زیبا به نظر نمی‌رسد بهتر بود که چنین ترجمه می‌شد: «او به شکار رفته بود و می‌دانست که مرد تماشای جانوران را دوست دارد، بنابراین به خوبی دور شد تا نقطه‌ای از دشت را که در چشم‌انداز مرد بود بهم نزنند.» تغییر در تعداد افعال در جملات متن مبدا و مقصد یکی از عوامل تعیین‌کننده انسجام در دو اثر ترجمه شده است.

عنصر «this» در جمله اول با پیش‌انگاری به «little pocket» ارجاع اشاری بوده و با نقش عنصر انسجام ارجاع اشاری «این» در متن فارسی واژه‌سازی شده است. عنصر «that» در جملات دوم و سوم، به عنوان عنصر ارجاع اشاری تلقی نمی‌شود، بلکه در اینجا نقش ضمیر موصولی دارد و سبب اتصال دو جمله می‌شوند؛ بنا به عقیده هلیدی، عناصر ارجاع اشاری مانند «that» در جمله

می‌توانند دو نقش معرف «modifier» و هسته «head» داشته باشند (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۵۸). همچنین، در متن فارسی عنصر ارجاع «این» در جمله دوم به وجود زن اشاره دارد که معادلی برای آن در متن اصلی نیست. در پایان باید خاطر نشان کرد که، سایر عناصر دستوری در متن فوق رخ نداده‌اند.

عناصر انسجام پیوندی:

عناصر انسجام پیوندی براساس اطلاعات جدول شماره ۲ چنین است: پیوند افزایشی «and» در جمله اول، سبب اتصال دو عبارت شده و انسجام و پیوستگی میان دو عبارت را به وجود آورده است. عنصر پیوندی دیگر «or» در متن اصلی یک پیوند افزایشی به شمار می‌آید. در عوض، در متن فارسی عناصر پیوندی بیشتری رؤیت می‌شود آن هم به سبب ساختار متفاوت زبان فارسی است. برای مثال، در جمله اول مترجم عنصر پیوند علی «چون» را به متن خود افزوده در حالی که معادلی برای واژه «چون» وجود ندارد و واژه «می‌دانست» کافی بود به این دلیل که مقصود نویسنده کاملاً روشن بود. عنصر پیوندی دیگر که توسط مترجم در متن گنجانده شده، عنصر «که» عنصر پیوند افزایشی است که به واسطه آن در جمله اول به «تماشا کردن» و در جمله سوم به «خواننده بود» اشاره دارد. در پایان اینکه عنصر پیوندی دیگری در متن فوق ایجاد نشده است.

عناصر انسجام واژگانی:

با در نظر گرفتن محتویات جدول مذکور، نه در متن اصلی و نه در متن ترجمه شده، هیچ‌یک از عناصر انسجام واژگانی به وقوع نپیوسته است.

داستان کوتاه «مشت‌زن حرفه‌ای» از کتاب برف‌های کلیمانجارو با ترجمه «حسینی»

پاراگراف ۲:

Nick climbed the embankment and started up the track.¹ He found he had a ham sandwich in his hand and put it in his pocket.² Looking back from the mounting grade before the track curved into the hills he could see the firelight in the clearing.³

نیک از خاکریز بالا رفت و مسیر خط آهن را در پیش گرفت.^۱ دید که ساندویچی در دست دارد و آن را در جیب گذاشت.^۲ از سرایشی، پیش از این که خط آهن پیچ بخورد و به سمت کوه‌ها برود، به عقب نگاه کرد و روشنایی آتش در محوطه خالی به دیده آمد.^۳

جدول شماره ۳- متن انگلیسی ۲

شماره جمله متن انگلیسی	تعداد گره	عنصر انسجام	نوع انسجام	پیش‌انگاری
۱	۴	The*2	ارجاع اشاری (خنثی)	-
		And	پیوند افزایشی	عبارت بعد
		Start up	باهم آبی	Track
۲	۶	He	ارجاع شخصی	Nick
		He	تکرار	Nick
		His	ارجاع شخصی	Nick hand
		And	پیوند افزایشی	Put it
		It	تکرار	Sandwiches
		His	تکرار	Nick
۳	۶	The*5	ارجاع اشاری (خنثی)	-
		he	ارجاع شخصی	nick
	۱۶			تعداد کل گره‌ها

جدول شماره ۴ - متن ترجمه ۲

شماره جمله متن فارسی	تعداد گره	عنصر انسجام	نوع انسجام	پیش‌انگاری
۱	۲	پیش‌گرفت	باهم آیی	مسیر خط آهن
		و	پیوند افزایشی	عبارت بعد
۲	۵	-ت	ارجاع شخصی	نیک
		که	پیوند افزایشی	-
		آن	تکرار	ساندویچ
		-د	ارجاع شخصی	نیک
		-د	ارجاع شخصی	دست نیک
۳	۴	اینکه	پیوند علی	خط آهن
		-د	ارجاع شخصی	نیک
		و*۲	پیوند افزایشی	عبارت بعد
	۱۱			تعداد کل گره‌ها

بر اساس دو جدول فوق، عناصر انسجام دستوری ایجادشده در متن فوق از این قرارند، عنصر «he» در جمله دوم و سوم اشاره به شخصیت داستان «nick» دارد و معادل آن در متن ترجمه‌شده، توسط مترجم حذف معنوی شده و مفهوم آن در فعل «دارد، گذاشت» و «نگاه کرد» مشهود است. ضمیر «his» در جمله مذکور، به ساندویچی که نیک در دست داشت، اشاره می‌کند که در متن ترجمه اشاره‌ای به آن نشده است؛ به این دلیل که، در متن اصلی، دو عنصر ارجاع «he» و دو عنصر «his» وجود دارد و در زبان فارسی تکرار یک عنصر پی‌درپی چندان زیبا به نظر نمی‌رسد، با تکرار عناصر «خود» و «ش» در واژه «جیش» از زیبایی جمله کاسته و متن روان و سلیس به دست نمی‌آید. همچنین در جمله فوق، مترجم توجهی به واژه «ham» به معنی «ژامبون» در متن نداشته و ترجمه آن در متن وجود ندارد. در ادامه نیز، عنصر انسجام دستوری دیگری در متن پیش‌رو ایجاد نشده است.

عناصر انسجام پیوندی:

از آنجاکه، به واسطه عناصر پیوندی، دو یا چند عبارت به هم متصل و یک متن منسجم تشکیل می‌شود؛ لذا، در متن حاضر انسجام موجود دلیل بر وجود عناصر پیوندی میان عبارات است.

عنصر «and» سبب اتصال دو عبارت شده و معادل آن در متن ترجمه شده دو عبارت «ساندویچ در دست داشت» و «در جیبش گذاشت» شد و یک جمله منسجم تشکیل شده است. در متن ترجمه شده به زبان فارسی به دلیل ساختار دستوری که این زبان دارد، به هر حال، عنصر پیوندی بیشتری نسبت به متن اصلی دیده می‌شود. در جمله اول عنصر پیوند افزایشی «که» به کار رفته است. سایر عناصر پیوندی با همان عنوان در متن اصلی معادل‌سازی شده‌اند.

عناصر انسجام واژگانی:

عناصر انسجام واژگانی طبق جدول ۳ چنین‌اند. در جمله دوم، ضمیر «he» دو بار تکرار شده که عنصر «he» تکرار واژه «he» به‌شمار می‌آید. همچنین، عنصر «it» در جمله دوم، علاوه بر ارجاع شخصی، نقش تکرار را نیز ایفا می‌کند که پیش‌انگاری آن به «ساندویچ زامبون» است. عبارت «start up» ترکیب باهم‌آیی در متن اصلی است؛ افزون بر آن، عبارت «در پیش‌گرفت» ترکیبی است که در زبان فارسی با «مسیر خط آهن» هم‌نشینی دارند و یک ترکیب باهم‌آیی محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که، عنصر انسجام واژگان دیگری در متن فوق دیده نمی‌شود.

داستان کوتاه «کوته‌قصه‌ای» از کتاب برف‌های کلیمانجارو ترجمه «حسینی» پاراگراف ۳:

The major did not marry her in the spring, or any other time.¹ Luz never got an answer to the letter to Chicago about it.² A short time after he contracted gonorrhoea from a sales girl in a loop department store while riding in a taxicab through Lincoln Park.³

جناب سرگرد در بهاران یا موسم دیگری با او ازدواج نکرد.^۱ جواب نامه‌ای که لوز در این باب نوشته به شیکاگو فرستاده بود، هرگز نیامد.^۲ چندی بعد او هم، که سوار بر تاکسی از لینکلن پارک می‌گذشت، عقب تاکسی از دخترت فروشنده یکی از فروشگاه‌های مرکز شهر سوزاک گرفت.^۳

جدول شماره ۵- متن انگلیسی ۳

شماره جمله متن انگلیسی	تعداد گره	عنصر انسجام	نوع انسجام	پیش‌انگاری
۱	۲	Or	پیوند افزایشی	any other time
		Other	ارجاع مقایسه‌ای	-
۲	۲	The	ارجاع اشاری (خنثی)	The letter
		It	ارجاع شخصی	To the letter
۳	۲	He	ارجاع شخصی	Major
		A short time after	پیوند زمانی	جمله بعد
	۶			تعداد کل گره‌ها

جدول شماره ۶- متن ترجمه ۳

شماره جمله متن فارسی	تعداد گره	عنصر انسجام	نوع انسجام	پیش‌انگاری
۱	۴	یا	پیوند افزایشی	بهاران
		دیگر	پیوند افزایشی	هر وقت
		-د	ارجاع شخصی	جناب سرگرد
		او	ارجاع شخصی	لوز
۲	۵	این	ارجاع اشاری	جمله قبل
		که*۲	پیوند افزایشی	-
		-د	ارجاع شخصی	لوز
		-د	ارجاع شخصی	لوز
۳	۵	او	ارجاع شخصی	جناب سرگرد
		هم	پیوند افزایشی	-
		چندی بعد	پیوند زمانی	-
		-ت	ارجاع شخصی	او
		یکی از	پیوند افزایشی	-
	۱۴			تعداد کل گره‌ها

در جداول فوق، عناصر دستوری که در این متن ایجاد شده‌اند بدین شرح‌اند: عنصر انسجام ارجاع شخصی «her» در جمله اول به «لوز» از شخصیت‌های داستان اشاره می‌کند که معادل آن در متن ترجمه به صورت «او» آمده است. ارجاع مقایسه‌ای «other» در جمله اول، اشاره به زمان دیگر دارد که معادل آن نیز به صورت ارجاع مقایسه‌ای «دیگر» واژه‌سازی شده است. عناصر انسجام ارجاع شخصی مانند ضمائر تقریباً به همان نوع در زبان مقصد ترجمه می‌شوند مگر اینکه مترجم به ناچار یا بنا به سلیقه خود، عناصر ارجاع را دستخوش تغییرات قرار دهد. عنصر «it» در جمله دوم به نامه‌ای که توسط «لوز» برای «سرگرد» فرستاده بود اشاره دارد. مترجم نیز معادل این عنصر را «این» قرار داده است. عنصر ارجاع دیگر در جمله سوم، به «جناب سرگرد» می‌پردازد که این عنصر را به صورت عنصر ارجاع شخصی «او» می‌کند. در این متن عنصر ارجاع دیگری به وجود نیامده است. آنچه از تحلیل عناصر انسجام دستوری از این متن برداشت می‌شود، این است که، عناصر انسجام دستوری در متن اصلی می‌تواند به همان شکل در زبان مقصد (فارسی) برگردانده شوند، برای مثال نوع عناصر انسجام دستوری طی ترجمه از انگلیسی به فارسی دستخوش تغییری نشده است.

عناصر انسجام پیوندی:

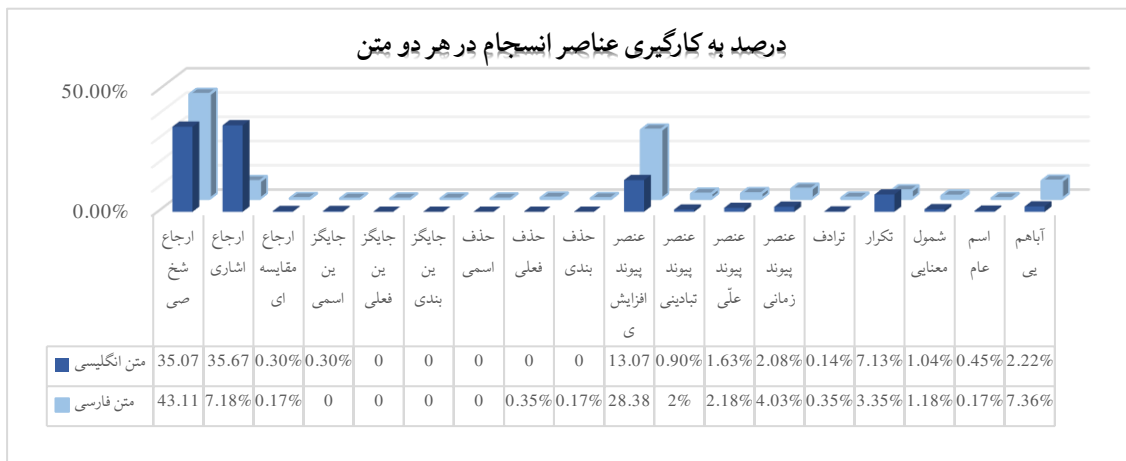
عناصر انسجام پیوند افزایشی «or» که معادل آن در فارسی نیز به همان معناست. عنصر پیوند زمانی «a short time after» به معنی «چندی بعد» در متن ترجمه، شکل گرفته است. عنصر پیوندی دیگری در متن انگلیسی وجود ندارد اما در متن فارسی عناصر پیوندی بیشتری تشکیل شده‌اند. برای مثال، در جمله دوم پیوند افزایشی «که» در انتقال مفهوم نویسنده، مترجم ملزم به استفاده از عنصر پیوندی است. عنصر «یکی از»، «که» و «هم» در جمله سوم در متن فارسی ایجاد شده‌اند زیرا در زبان فارسی عناصر پیوندی (افزایشی) بسیار کاربرد دارند؛ به همین دلیل، مترجم برای رساندن منظور خود به ناچار عنصرهای پیوندی بیشتر از متن اصلی به کار برده است که البته علم ترجمه، مترجمان را در این باب محدود نمی‌کند که با مطالعات قنادی (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

عناصر انسجام واژگانی:

با توجه به داده‌های جداول ۵ و ۶، در این متن عنصر انسجام واژگانی ایجاد نشده است.

جدول شماره ۷- مجموع عناصر انسجام در هر دو متن

متن فارسی		متن انگلیسی			
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
٪۴۳/۱۱	۲۵۸	٪۳۵/۰۷	۲۳۶	ارجاع شخصی	ارجاع
٪۷/۱۸	۴۳	٪۳۵/۶۷	۲۴۰	ارجاع اشاری	
٪۰/۱۷	۱	٪۰/۳۰	۲	ارجاع مقایسه‌ای	
۰	۰	٪۰/۳۰	۲	جایگزین اسمی	جایگزین
۰	۰	۰	۰	جایگزین فعلی	
۰	۰	۰	۰	جایگزین بندی	
۰	۰	۰	۰	حذف اسمی	حذف
٪۰/۳۵	۲	۰	۰	حذف فعلی	
٪۰/۱۷	۱	۰	۰	حذف بندی	
٪۵۰/۹۸	۳۰۵	٪۷۱/۳۲	۴۸۰	تعداد کل	
۲۸/۳۸	۱۷۰	٪۱۳/۰۷	۸۸	عنصر پیوند افزایشی	عناصر انسجام پیوندی
۲	۱۲	٪۰/۹	۶	عنصر پیوند تباینی	
٪۲/۱۸	۱۳	٪۱/۶۳	۱۱	عنصر پیوند علی	
٪۴/۰۳	۲۵	٪۲/۰۸	۱۴	عنصر پیوند زمانی	
٪۳۴/۴۱	۲۲۰	٪۱۷/۶۸	۱۱۹	تعداد کل	
٪۰/۳۵	۲	٪۰/۱۴	۱	ترادف	عناصر انسجام واژگانی
٪۳/۳۵	۲۰	٪۷/۱۳	۴۸	تکرار	
٪۱/۱۸	۷	٪۱/۰۴	۷	شمول معنایی	
٪۰/۱۷	۱	٪۰/۴۵	۳	اسم عام	
٪۷/۳۶	۴۴	٪۲/۲۲	۱۵	باهم‌آبی	
٪۱۲/۴۱	۷۴	٪۱۱	۷۴	تعداد کل	
٪۱۰۰	۵۹۹	٪۱۰۰	۶۷۳	تعداد کل واژه در دو متن فارسی و انگلیسی	



نمودار. بررسی کمی عناصر انسجام یا باهم آیی در متن انگلیسی و فارسی برف‌های کلیمانجارو

همان‌طور که در جدول ۷ نشان دادیم، در متن اصلی، از میان ۶۷۳ گره انسجامی، بیشترین بسامد وقوع با ۳۵/۶۷٪ به عنصر ارجاع اشاری اختصاص یافته است و پس از آن بالاترین بسامد با ۳۵/۰۷٪ به عنصر ارجاع شخصی تعلق دارد. عنصر حذف در متن انگلیسی کاربردی نداشته و ریز مؤلفه ترادف با ۰/۱۴٪ کمترین بسامد وقوع در متن را به خود اختصاص داده‌اند. عنصر پیوند افزایشی ۱۳/۰۷٪ بسامد وقوع در متن را به خود اختصاص داده است. همچنین، ریز مؤلفه‌های ارجاع مقایسه و جایگزین اسمی با ۰/۳۰٪ بسامد وقوع در متن داشته‌اند؛ به دنبال آن، عنصر پیوند تبیینی ۰/۹٪، عنصر پیوند علی ۱/۶۳٪ و عنصر پیوند زمانی ۲/۰۸٪ بسامد وقوع در متن اصلی داشته‌اند. از گروه عناصر انسجام واژگانی، عنصر تکرار با ۷/۱۳٪، عنصر شامل معنایی ۱/۰۴٪، عنصر اسم عام ۰/۴۵٪ و عنصر باهم‌آیی ۲/۲۲٪ بسامد وقوع، در رده‌های بعد قرار دارند. در متن ترجمه، بالاترین بسامد به ریز مؤلفه ارجاع شخصی با ۱۱/۴۳٪ و کمترین بسامد، ریز مؤلفه‌های ارجاع مقایسه با ۰/۱۷٪ و عنصر حذف بندی با ۰/۱۷٪ همچنین عنصر اسم عام ۰/۱۷٪ بسامد وقوع در متن داشته‌اند. در ادامه، عنصر پیوند افزایشی با ۲۸/۳۸٪ بسامد وقوع در متن داشته است. سایر عناصر انسجام، از جمله عنصر پیوند تبیینی با ۰/۲٪ و عنصر پیوند علی با ۱۸/۲٪، عنصر پیوند زمانی با ۴/۰۳٪، عنصر ترادف با ۰/۳۵٪، عنصر تکرار با ۳/۳۵٪، عنصر باهم‌آیی با ۷/۳۶٪ بسامد در متن ترجمه را به خود اختصاص داده‌اند که در رده‌های بعد قرار می‌گیرند. در نهایت، باید اضافه کرد که عناصر گروه جایگزین در متن فارسی کارآمد نبوده‌اند.

۶ نتیجه‌گیری

با بررسی داده‌های پژوهش روشن شد که هر دو مترجم سعی در ترجمه همسان عناصر انسجام داشته است. اکثریت عناصر انسجام (ارجاع شخصی و اشاری) در متن مقصد به درستی معادل‌یابی شده‌اند. البته گاهی مترجم ملزم به اعمال تغییرات در نوع عنصر انسجام در متن خود می‌شود. برای مثال، در بعضی از متن‌های منتخب، دو ضمیر «she» و «he» در متن وجود دارد که مترجم در متن فارسی نمی‌تواند هر دو ضمیر را با یک مشخصه «او» معادل‌سازی کند. زیرا در زبان فارسی تمایزی برای این دو عنصر وجود ندارد، لذا مترجم به‌ناچار عنصر را تغییر داده و به‌جای عنصر ارجاع شخصی از نام شخصیت داستان یا واژه «مرد» و «زن» را به‌کار می‌برد. درحقیقت، معادلی منطبق با بافت متنی انتخاب می‌کند که سبب می‌شود عنصر انسجام به‌طور صحیح معادل‌سازی نشود. عنصر جایگزین اسمی در متن انگلیسی دو مورد وجود داشته است که مترجم آنها را به همان سبک در متن خود منتقل نکرده است. عناصر جایگزین در متن اصلی و همچنین در متن ترجمه ایجاد نشده‌اند. عنصر حذف در متن اصلی ایجاد نشده ولی مترجم این نوع عنصر را در سبک ترجمه خود برای پیش‌گیری از تکرار به‌کار می‌برد، لذا در متن ترجمه دو عنصر حذف فعلی و یک حذف بندی ایجاد شده است.

طبق بررسی‌های محقق، می‌توان نتیجه گرفت که دخالت سلیقه مترجم در نوع ترجمه، خود دلیلی بر تمایز سبکی میان نویسندگان و مترجمان می‌شود. برای مثال، «همینگوی» نویسنده کتاب منتخب، از عنصر تکرار با بسامد ۱۳/۷٪، بیشتر استفاده کرده است اما «حسینی» مترجم، این عنصر را با بسامد ۳۵/۳٪، کمتر در متن خود به‌کار برده است. عنصر باهم‌آیی با ۲۲/۲٪ بسامد وقوع در متن اصلی به نسبت متن ترجمه با ۳۶/۷٪ بسامد کمتر ایجاد شده است، این نشان می‌دهد که مترجم علاقه بیشتری به کاربرد عنصر باهم‌آیی داشته و تأثیرگذاری ترجمه خود را در کاربرد این عنصر می‌داند. نکته قابل ذکر این است که تعداد به‌کارگیری عنصر شمول معنایی در هر دو متن یکسان بوده است. نویسنده در متن خود ۷ مورد شمول را به‌کار برده و مترجم نیز به همین اندازه به‌کار برده است. همینگوی عنصر پیوند افزایشی را با ۰۷/۱۳٪ در متن خود داشته و مترجم، ۳۸/۲۸٪ بسامد کاربرد این عنصر در متن خود داشته است؛ این موضوع بیانگر این است که مترجم برای اینکه بتواند درک خود را از متن اصلی به خواننده منتقل کند، از این عنصر بیش از متن اصلی استفاده کرده است. دلیل این شباهت آماری را می‌توان این‌گونه برشمرد که مترجم سعی داشته عناصر انسجام شخص را به‌طور یکسان و همسو با متن اصلی معادل‌یابی کند. در پایان، می‌توان خاطر نشان کرد که، کاربرد عوامل

انسجام می‌تواند برحسب سلیقه نویسنده یا مترجم باشد که این موجب ایجاد تمایز سبکی میان نویسندگان و مترجمان می‌شود. البته لازم به ذکر است که، منظور از سبک، سبک و سیاق حوزه ادبی نبوده بلکه نوع زبان و شیوه بیان کلام از منظر و برداشت شخص مترجم از مطلب است.

منابع

- البرزی، پرویز (۱۳۹۲). مبانی زبان‌شناسی متن (چاپ دوم). تهران: زبان‌شناسی، ادبیات و فرهنگ ۶.
- پورحسینی، فخری (۱۳۸۵). بررسی عوامل انسجام در داستان‌های کوتاه سیمین دانشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشکده علوم انسانی گروه زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه ولی عصر (عج).
- تاک، گیتی (۱۳۷۸). «پیوستگی و همبستگی متن یا انسجام و ارتباط مطالب در زبان فارسی». ادبیات و زبان‌ها: زبان‌شناسی. د ۱۴، ش ۲۷ و ۲۸، ۸۱-۷۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی (چاپ نوزدهم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حسینی، صالح (۱۳۹۶). برف‌های کلیمانجارو. تهران: نیلوفر.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی (چاپ هفتم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دریا بندری، نجف (۱۳۷۸). برف‌های کلیمانجارو. تهران: تجربه.
- رحمانی، فاطمه (۱۳۸۴). بررسی عوامل انسجام در آثار ادبی جلال آل احمد (مدیر مدرسه، نون و القلم). پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- فالر، راجر و همکاران (۱۳۹۴). زبان‌شناسی و نقد ادبی (چاپ پنجم). ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نشر نی.
- فرحزاد، فرزانه (۱۳۸۴). «نظریه نایدا». زبان و زبان‌شناسی. س ۱، ش ۱، ۴۵-۳۵.
- فروزنده، مسعود و امین بنی‌طالبی (۱۳۹۳). «ابزارهای آفریننده انسجام متنی و پیوستارهای بلاغی در ویس و رامین». شعر پژوهی. س ۷۴، ش ۲، ۱۲۴-۱۰۷.
- قنادی، سیدعلی (۱۳۹۵). مقایسه استفاده از عناصر انسجام در رمان «پیرمرد و دریا» و ترجمه آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کاشان.

کریمی، رضیه. (۱۳۹۳). بررسی کارایی عناصر مشابه میان زبان‌شناسی متن و بلاغت در تحلیل ادبی، تحلیل موردی دو خطبه غرّاً و اشباح از نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

محمدیاری، ساره (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل سوره «مریم» براساس زبان‌شناسی متن بنیاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کاشان.

نظری، علیرضا و همکاران (۱۳۹۰). «زبان‌شناسی متن و الگوی انسجام در آرای نحوی، بلاغی و نقدی عربی قدیم». ادب عربی. س ۳، ش ۳، ۱۱۲-۸۳.

ویسی، الخاص و آرزو مولوی وردنجانی (۱۳۹۵). «بررسی مقابله‌ای نقض گفتمانی ادات پیوندی "و" و "ف" در قرآن کریم». مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه. س ۲، ش ۲، ۲۶-۱۸.

ویسی، الخاص و غلامحسین اورکی (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه «ناس» و ترجمه فارسی آن بر پایه نظریه انسجام متن هلیدی و حسن». معارج. س ۲، ش ۱، ۱۴۶-۱۲۹.

ویسی، الخاص و فاطمه دریس (۱۳۹۵). «بررسی مقابله‌ای تحلیل سیاق سوره «نبا» در تفسیر المیزان و یافته‌های زبان‌شناسی معاصر». آموزه‌های قرآنی. ش ۲۴، ۱۰۸-۸۱.

Al-Pachachi, O. A., & A. N. Aseel (2016). The use of cohesive devices in English dram texts for adults and children. *Angloamericanae Journal*. 1(1), 28-60.

Berzlánovich, I. (2008). Lexical cohesion and the organization of discourse. Groningen, Center for Language and Cognition Groningen, University of Groningen.

De Beaugrande, R., & W. Dressler (1981). Introduction to text linguistics. Harlow: Longman.

Givón, T. (1979). *On understanding grammar (Revised edition)*. New York: John Benjamins.

Haliday. M. A. K., & R. Hasan (1976). *Cohesion in English*. Longman Group LTD.

Hemingway, E. (2004). *The snows of Kilimanjaro*. New York: Vintage Classics.

Karadeniz, A. (2017). Cohesion and coherence in written texts of students of faculty of education. *Journal of Education and Training Studies*. 5(2). 93-99.

Malkjær, K. (2002). *The linguistics encyclopedia*. Second Edition. London and New York: Routledge.

Schroder. H. (ed.) (1991). *Subject-oriented texts*. Library of Congress Cataloging-in-publication Data.

Van Dijk, T.A. (1989). "Social cognition and discourse". *Handbook of social psychology and language*. H. Giles and R.P. Robinson (eds), Chichester: Wiley, 163-183.